

بررسی شگفتی‌ها و اعجاز علمی قرآن کریم

امام الدین محمدی^۱ | گلثوم حجاب^۲

چکیده

یکی از مسائل که توجه علم بشری به آن است اعجاز علمی و طبی قرآن است که از دیرزمانی تا اکنون این اعجاز توجه بسیاری از محققین را به خود جلب کرده است. منظور از اعجاز در این نوشتار، مطالبی طبی مطرح شده در قرآن کریم است که مردم عصر نزول قرآن از آن آگاهی نداشتند و بعدها حکمت آن کشف و اسرار آن آشکار گردید. در قرآن کریم مثال‌ها و مطالب علمی طبی فروانی به چشم می‌خورد که با جدیدترین قوانین و نظریات اثبات شده علمی طبی موافقت دارد و این نکته به قدری مورد توجه دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان واقع گردیده که بسیاری از دانشمندان غیرمسلمان جهان مجذوب این بعد قرآن شده و به حقانیت اسلام پی برده و به دین اسلام مشرف شده‌اند. هدف از این تحقیق، توضیح علمی ابعاد اعجاز طبی قرآن کریم است. برای به دست آوردن نتیجه مطلوب این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی از کتب و مقالات نشر شده در ژورنال‌های معتبر بین‌المللی استفاده شده است. در بررسی اعجاز طبی قرآن کریم ثابت گردید که حقایقی که در قرآن موجود است که یکی از آن‌ها، موضوعات طبی است که تکنولوژی امروزی آن را کشف و طب آن را تأیید می‌کند، به‌وضوح نشان‌دهنده حقانیت و منشأ الهی بودن قرآن است. بعد از تکمیل این تحقیق به این نتیجه می‌رسیم که قرآن کریم منشأ پیدایش تمام علوم بشری در جهان است که گذشت زمان از طراوت آن نمی‌کاهد، بلکه با پیشرفت علوم، حقایق قرآن روشن‌تر می‌گردد و هر قدر علم بشری به‌سوی تکامل پیش می‌رود، درخشش این آیات قرآنی بیشتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، اعجاز طبی، کشف، مرض

۱. مرکز تحقیقات، موسسه تحصیلات عالی رازی، کابل، افغانستان

ایمیل: imam.mohammadi.2020@gmail.com

۲. عضو هیات علمی انستیتوت علوم صحی مسلم، غزنی، افغانستان

مقدمه

منظور از اعجاز در این تحقیق، مطالب علمی و پزشکی مطرح شده در قرآن کریم است که مخاطبان عصر نزول قرآن از آن آگاهی نداشتند و بعدها حکمت آن کشف و اسرار آن آشکار شد. در عصر حاضر، این آیات به عنوان یکی از شگفتی‌های قرآن شناخته می‌شوند و می‌توانند راهی مؤثر برای آشنا ساختن غیرمسلمانان با قرآن و اسلام باشند. اعجاز علمی و پزشکی قرآن به این معناست که ثابت کند کتابی نازل شده بیش از هزار و چهارصد سال پیش برای پیامبر اکرم (ص)، حاوی حقایقی از جهان هستی است که بشر بعد از قرن‌ها تلاش، به حقیقت علمی آن پی برده است. در این زمینه، پژوهش‌هایی صورت گرفته که هرکدام به ابعاد مختلف اعجاز طبی قرآن پرداخته‌اند. پژوهش‌هایی از جمله:

۱. محمد حسین صائنی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود تحت عنوان "بررسی بهداشت جنسی در مورد قاعدگی زنان و آثار تربیتی آن حول آیه ۲۲۲ سوره بقره" به موضوعات تربیتی و بهداشتی جنسی آیات قرآنی پرداخته‌اند.
۲. آقای رضایی اصفهانی (۱۳۹۹) در مقاله‌اش تحت عنوان "Interpretation of the Quran" (تفسیر قرآن) به قوانین بهداشتی قرآن جهت پیشگیری از ابتلای انسان به بیماری‌ها پرداخته است.
۳. مشرق آرانی (۱۳۸۸) در مقاله‌اش تحت عنوان "Expressive Nazah of the Quran" (نزاهت بیانی قرآن) به حیطه نزاهت بیانی خداوند متعال در آیات قرآن پرداخته است.
۴. محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملأ کاظمی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیرات آموزه‌ها و آیات قرآن کریم در بهداشت روانی فردی» به بررسی تأثیرات آموزه‌های قرآن بر سلامت روانی پرداخته‌اند.

در این تحقیق به چند مورد مهم و بروز طبی پرداخته شده که مباحثی چون مراحل خلقت انسان، تعیین جنس نوزاد، کمبود آکسیجن در ارتفاع بلند، پوست و احساس درد، اضرار مقاربت جنسی با زن حائض، تمرکز و عدم احساس درد، اعجاز اثر انگشت و غیره پردازیم که در زمان نزول این آیات، بشر هیچ‌گونه اطلاع از اعجاز علمی این آیات نداشت.



هدف از این تحقیق، توضیح علمی ابعاد اعجاز طبی قرآن کریم است تا برای مخاطبان ثابت شود که قرآن کریم حاوی چه حقایقی از جهان هستی است که بشر بعد از قرن‌ها و پس از تلاش‌های دامنه‌دار، به حقیقت علمی آن پی برده است، کتاب برحق و معجزه پیامبر اسلام است. داده‌های این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای از کتاب‌های معتبر و مقالات علمی جمع شده و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی تدوین شده است.

معنای اعجاز

اعجاز مصدر باب افعال از ماده عجز و به معنای اثبات عجز یا قصور از انجام دادن چیزی است. اگر اعجاز ثابت شود، قدرت معجزه ظاهر می‌گردد. یکی از حیطه‌هایی که در قرآن قابل بررسی و الگوگیری برای مخاطبان است، حیطه نزاهت بیانی خداوند متعال در آیات قرآن است که انسان با الگوگیری از سبک و متد کلام خداوند متعال در قرآن می‌تواند راه درست و هدف نهایی خلقت را بییماید (Mashriqi Arani A, 2018).

یکی از جنبه‌های اعجاز علمی و بیانی قرآن که در دو قرن اخیر مورد توجه قرار گرفته، جنبه اعجاز طبی قرآن است. در قرآن کریم مثال‌ها و مطالب علمی فروانی به چشم می‌خورد که با جدیدترین قوانین و نظریات اثبات شده علمی موافقت دارد. این نکته به قدری مورد توجه دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان واقع شده که بسیاری از دانشمندان جهان مجذوب این بعد قرآن شده و به حقانیت اسلام پی برده مسلمان شده‌اند.

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که قرآن را شفا می‌خواند و می‌فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران نمی‌افزاید» (اسراء: ۸۲). در آیه دیگری خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است، و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست (درمانی برای دل‌هایتان)، و هدایت و رحمتی برای مؤمنان» (یونس: ۵۷).

این شفا بودن، در قرآن عام آمده و شامل درمان جسمانی و روحانی - معنوی می‌شود.



قرآن کریم در بسیاری از موارد به‌عنوان دارویی برای تسکین دردهای روانی، عاطفی و روحی نیز عمل می‌کند. با تلاوت آیات قرآن، انسان‌ها آرامش روانی می‌یابند و از فشارهای روحی کاسته می‌شود. از این رو، قرآن نه تنها در بعد معنوی، بلکه در ابعاد جسمی و روانی نیز می‌تواند منبع شفا و درمان باشد که در ادامه بررسی می‌کنیم.

اعجاز علمی قرآن

اعجاز علمی - طبی قرآن را از دو منظر می‌توان بررسی کرد:

الف. آیاتی که حاوی اطلاعات، دستورات و سفارش‌های طبی هستند: این آیات کریمه، علمی را در خود دارند که عمل به آن‌ها موجب سعادت و سلامت انسان می‌شود. اعجاز این آیات از این نظر است که در زمان نزول قرآن، هیچ علم پزشکی در خصوص این مطالب وجود نداشت و بعدها، بشر با پیشرفت علم، به درک و فهم این حقیقت‌ها دست یافت.

ب. آیاتی که خود باعث شفا و درمان بیماری‌ها هستند: این دسته از آیات به‌طور مستقیم به درمان بیماری‌ها و رفع مشکلات جسمی و روحی پرداخته‌اند و در مواقعی که فرد به آن‌ها توجه می‌کند، شفای واقعی را تجربه می‌کند. تمرکز ما در این نوشتار بر روی نوع اول از این اعجاز است که در آن، قرآن کریم حاوی دستورات پزشکی و بهداشتی است که رعایت آن‌ها به‌طور مؤثر باعث حفظ سلامتی و بهبود وضعیت جسمانی و روحی انسان می‌شود (رضایی اصفهانی و ملاکاظمی، ۱۳۸۶: ۲۷۴).

یافته‌های پژوهش

تمرکز و عدم احساس درد

علم پزشکی دریافته است که توجه شدید انسان به چیزی می‌تواند احساس درد را کاهش دهد یا حتی از بین ببرد. این نکته در قرآن کریم نیز اشاره شده است. در سوره یوسف آمده است:

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا
وَقَالَتْ أَخْرِجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا



مَلَكٌ كَرِيمٌ؛ چون همسر عزیز مصر از سخنان زنان مصری آگاه شد، به نزد آن‌ها فرستاد و برای آن‌ها مجلس و تکیه‌گاهی آماده کرد و به هریک از آن‌ها کاردی داد و به یوسف گفت که به مجلس آنان وارد شود. وقتی زنان یوسف را دیدند، او را بسیار بزرگ شمردند و دست‌های خود را بریدند و گفتند: پاک است خداوند! این مرد انسان نیست، بلکه فرشته‌ای بزرگوار است (یوسف: ۳۱).

نکته‌ای که در این آیه قابل توجه است، این است که زنان پس از دیدن زیبایی یوسف، چنان شیفته او شدند که احساس درد نکردند و دست‌های خود را بریدند. پژوهش‌هایی که با استفاده از دستگاه‌های تصویربرداری مغزی انجام شده، نشان می‌دهد که زمانی که مغز شدیداً به چیزی مهم توجه می‌کند، فعالیت مناطقی که مسئول احساس درد هستند، کاهش می‌یابد. در عوض، فعالیت در سلول‌های عصبی اطراف کانال‌های سیل‌یوز افزایش می‌یابد که منجر به ترشح مواد تسکین‌دهنده درد می‌شود. بنابراین زمانی که انسان به چیزی مهم و برجسته توجه می‌کند، احساس درد نمی‌کند.

مراحل خلقت انسان در قرآن کریم

خداوند در قرآن کریم به مراحل مختلف خلقت انسان اشاره کرده است. در سوره نوح، خداوند می‌فرماید:

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا؛ چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟ درحالی‌که شما را در مراحل مختلف آفرید [تا از نطفه به انسان کامل رسیدید] (نوح: ۱۳-۱۴).

این آیات بیان می‌کند خلقت انسان در چند مرحله مختلف صورت می‌گیرد. در سوره مؤمنون نیز مراحل مهم و اساسی خلقت انسان به تفصیل آمده است:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [رحم] قرار دادیم سپس نطفه را به صورت علقه [خون بسته]، و علقه را به صورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی

در آوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم. سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است (مؤمنون: ۱۲-۱۴).

این آیات مراحل مختلف خلقت انسان را از ابتدا تا پایان توضیح می‌دهند. آغاز از گل، سپس تبدیل به نطفه، علقه، مضغه، استخوان‌ها و در نهایت پوشش گوشت بر استخوان‌ها و در نهایت دمیدن روح در بدن.

در این آیات، خداوند ابتدا انسان را از «گل خالص» آفرید. در سوره الرحمن نیز به این نکته اشاره می‌شود که انسان از «صلصال» یعنی گل خشک، مانند گل کوزه‌گران خلق شده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (رحمان: ۱۴). این تعبیر دقیقاً نشان می‌دهد که گل، ماده اصلی تشکیل دهنده بدن انسان است.

این نکته در علم امروزی نیز تأیید شده است. تحلیل‌های آزمایشگاهی نشان می‌دهند که عناصر موجود در بدن انسان همان عناصر موجود در خاک و گل زمین هستند. جسم انسان متشکل از کربن، اکسیجن، هیدروژن، فسفر، کلسیم، پتاسیم، کبریت، نیتروژن، سدیم، کالر، منیزیم، آهن، فلورین، ک obalt، روی، سیلیکان، آلومینیوم و دیگر عناصر است. این عناصر دقیقاً مشابه عناصری هستند که در خاک و گل یافت می‌شوند. به عبارت دیگر، خلقت انسان از خاک و گل است و این موضوع نه تنها در آیات قرآن، بلکه در علم جدید نیز به‌طور واضح ثابت شده است.

بنابراین قرآن کریم در پایان این مراحل خلقت، به خلقت جدید انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید که بعد از تکمیل بدن، روح در آن دمیده می‌شود و این عمل به‌نوعی نشانه‌ای از کمال خلقت انسانی است. آفرینش انسان به این شیوه، نمایانگر قدرت بی‌پایان خداوند و حکمت او در خلق موجودات است (مخلص هروی، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۷).

مراحل خلقت انسان از منظر علم مدرن

داکتر مارشال جانسون استاد بازنشسته آناتومی و زیست‌شناسی تکاملی در دانشگاه توماس جفرسون و پنسیلوانیای آمریکاست. وی در طول ۳۳ سال استاد آناتومی، رئیس دانشکده آناتومی و مدیر مؤسسه دانیل و همچنین رئیس انجمن شناسایی جنین ناقص‌الخلقه بوده است. وی در سال ۱۹۸۱ در هفتمین کنفرانس پزشکی در عربستان سعودی، در ارائه تحقیق



علمی خود گفت:

قرآن نه تنها شکل‌های خارجی توسعه را توصیف کرده، بلکه مراحل درونی، داخل جنین، ایجاد و توسعه آن را نیز توصیف نموده است. همچنین قرآن به رویدادهای مهمی می‌پردازد که توسط علم معاصر به رسمیت شناخته شده است. من سر و کارم فقط با چیزهایی است که می‌توانم شخصاً ببینم، می‌توانم جنین‌شناسی و بیولوژی پژوهشی را بفهمم، قادر هستم که کلمات قرآنی را که برایم ترجمه شود، درک کنم. اگر بنا باشد من خود را با معلومات و بیانی که امروز از مسائل دارم در آن دوران در نظر بگیرم، نمی‌توانستم این‌گونه مطالب را چنانکه در قرآن آمده، توضیح دهم. من هیچ دلیل و شاهی برای آنکه در مخالفت با این حقیقت قرار بگیرم، نمی‌بینم که این شخص {محمد^(ص)} باید این اطلاعات را از جایی به دست آورده باشد. بنابراین من چیزی در اینجا در تعارض با این نظریه نمی‌بینم که دخالتی الهی در آنچه او نوشته، وجود داشته است (افضلی، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

کیت مور (Keith Moore) پروفیسور بازنشسته علوم آناتومی (جراحی) و عضو مؤسس انجمن آمریکایی آناتومیست بالینی (AACA) است. وی که در سال ۱۹۳۸، بزرگ‌ترین جایزه کشور کانادا را در رابطه با دانش کالبدشکافی گرفت و در دانش جنین‌شناسی در جهان سرآمد بود، به کشور عربستان سعودی دعوت شد تا در مورد آیاتی که چهارده قرن پیش در مورد دنیای جنین در قرآن آمده و یا احادیثی که در این باره از پیامبر اکرم^(ص) روایت شده است، نظریات خود را ارائه کند. او در ابتدا تمایلی به این سفر نداشت و مطمئن بود که کتابی متعلق به چهارده قرن پیش نباید چیز جالبی در مورد جهان جنین ارائه کرده باشد، به‌ویژه که این دانش فقط در نیم‌قرن اخیر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است، اما به علت نقطه‌ضعف گرفتن از کتاب آسمانی مسلمانان و نیز گشت و گذاری در کشورهای عربی، به این دعوت جواب مثبت داد. دکتر مور بعد از اینکه ترجمه آیات قرآن معرفی شده را به دقت بررسی نمود، چنین گفت:

اغلب مطالب جنین‌شناسی قرآن به گونه عالی و مطابق با دستاوردهای جدید و مدرن علم جنین‌شناسی است و به هیچ وجه مغایرتی با آن ندارد. معدودی از آیات هم هستند که توجیه علمی دقیقی برای آن ندارم و از آنجا که در نوشته‌ها و مطالعات جدید جنین‌شناسی



نیز در این خصوص اشاره‌ای نشده است، نمی‌توانم در صدق و کذب آن نیز نظر دهم، و برای نمونه می‌توان به آیه اول و دوم سوره علق اشاره کرد (<https://weblog4islam.com>). (blogfa.com/post/125).

تعیین جنسیت

طب ثابت کرده که جنسیت یک جنین، توسط ماهیت اسپرم تعیین می‌شود نه تخمک. جنسیت یک کودک خواه پسر باشد یا دختر، وابسته به این است که آیا کروموزوم جفت بیست و سوم، به ترتیب XY است یا XX. اساساً تعیین جنسیت در هنگام القاح رخ می‌دهد و بستگی به آن‌گونه از کروموزوم موجود در اسپرم دارد که یک تخمک را بارور می‌کند. اگر اسپرمی که تخمک را بارور می‌کند، کروموزوم X را به اشتراک بگذارد، جنین مؤنث و اگر Y را به اشتراک بگذارد، جنین مذکر خواهد بود (نایک، ۱۳۹۶: ۶۸-۶۹).

در قرآن کریم آمده است: «أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ؛ آیا آدمی قطره آب نطفه نبود که (در رحم) ریزند و پس از نطفه خون بسته شد و آنگاه (خدایش به این صورت زیبای حیرت‌انگیز) آفرید و آراسته ساخت، پس آنگاه از او دو صنف نر و ماده پدید آورد» (قیامه: ۳۷-۳۹).

بنا بر قواعد زبان عربی واژه «أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ» که از مرد نشئت می‌گیرد، مسئول تعیین جنسیت جنین است.

احساس درد در پوست

در قرآن آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا؛ به راستی کسانی که به آیات ما کفر ورزیده‌اند، آنان را در آینده به آتشی وارد می‌کنیم (و می‌سوزانیم) که هرگاه پوست‌هایشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوست‌هایی غیر از آن‌ها بجایش نهیم تا عذاب (الهی) را بچشد، به درستی که خدا شکست‌ناپذیر فرزانه است» (نساء: ۵۶).

آناتومی میکروسکوپی نشان می‌دهد که پوست عضوی پوشیده از بافت‌های عصبی است. این بافت‌ها انواع اطلاعات را به وسیله پایانه‌های آزاد عصبی از محیط خارج،



جمع‌آوری کرده و به مغز می‌فرستند. این پایانه‌های عصبی در تمام قسمت‌های پوست وجود دارد و احساس از قبیل درد، گرما، سرما و رفتار را به مغز منتقل می‌کند. میزان حساسیت این قسمت‌های داخلی پوست به واکنش‌های خارجی (از قبیل فشار)، بیش از قسمت بیرونی آن است، ولی حساسیت این قسمت‌ها به درد و حرارت و لمس، کمتر از قسمت‌های بیرونی پوست است. به همین دلیل هنگام تزریق آمپول، فقط در ابتدای تزریق، شخص احساس درد می‌کند و هرچه سوزن به طرف داخل پوست رانده شود، درد کمتری احساس می‌شود. وقتی پوست در معرض سوختگی قرار می‌گیرد، دچار درد شدید می‌شود؛ زیرا آتش پایانه‌های عصبی پوست را که ناقل حس درد هستند، تحریک می‌کند (دیاب و قرقوز، ۱۳۸۳: ۲۸).

قبلاً گمان می‌شد که احساس درد فقط وابسته به مغز است؛ اما اکتشافات اخیر ثابت کرده که گونه‌ای از گیرنده‌های حسی در پوست وجود دارد که بدون آن هیچ‌کس قادر به احساس درد نیست. به‌طور مثال وقتی یک داکتر، بیمار مبتلا به جراحات سوختگی را بررسی می‌کند، درجه سوختگی آن را به‌وسیله سنجاق معلوم می‌کند. اگر بیمار احساس درد کند، داکتر خوشحال است چون نشان می‌دهد که سوختگی سطحی است و گیرنده‌ها آسیبی ندیده؛ اما اگر بیمار هیچ درد احساس نکند، نشان می‌دهد که سوختگی عمیق است و گیرنده‌های درد نابود شده است.

پروفسور تاگاتات تجاسن (Tagatat Tejasen) رئیس بخش آناتومی دانشگاه چیانگ مای تایلند، وقت زیادی را صرف پژوهش‌هایی در مورد گیرنده‌های حسی کرده است. وی ابتدا نمی‌توانست بپذیرد که قرآن کریم این حقیقت علمی را ۱۴۰۰ سال پیش بیان کرده باشد، ولی پس از مطالعه و ترجمه آیه ۵۶ سوره نساء، حقانیت و درستی این آیه را تأیید کرد. او که تحت تأثیر دقت علمی این آیه قرآنی قرار گرفته بود که در هشتمین کنفرانس پزشکی عربستان سعودی که در ریاض با موضوع نشانه‌های علمی قرآن و سنت برگزار شده بود علناً اظهار اسلام کرد.^۱

۱. پروفسور تجاسن در هشتمین کنفرانس پزشکی عربستان سعودی در ریاض، عربستان سعودی، گفت: «طی سه سال گذشته، من به قرآن علاقه‌مند شدم... بر اساس مطالعاتم، معتقدم هر چیزی که در قرآن در چهارده صدسال پیش آمده، با ابزار علمی قابل اثبات است. از آنجا که حضرت محمد (ص) نه می‌توانست بخواند و نه بنویسد، باید رسولی باشد که

استخوان‌های انسان

قرآن کریم به هیکل انسان اهتمام و عنایت بلیغی نشان داده و از این حقیقت که کالبد استخوانی، اصل و قاعده ساختمان وجود انسان را تشکیل می‌دهد، سخن گفته است. از جمله در این آیه کریمه می‌فرماید:

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ؛ آنگاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم [و پیکری کامل کردیم] پس از آن [دمیدن روح پاک مجرد] خلقتی دیگرش انشا نمودیم، آفرین بر [قدرت کامل] خدای که بهترین آفرینندگان است (مؤمنون: ۱۴).

استخوان ماده زنده و محکمی است که داربست اسکلتی بدن انسان را می‌سازد و از مهم‌ترین قسمت‌های سیستم حرکتی و پایه محکمی است که دیگر اعضای بر آن استوار می‌شوند. لذا استخوان‌ها به‌عنوان محافظین بدن انسان نقش حیاتی دارند؛ زیرا نه تنها به‌عنوان ساختار حمایت‌کننده بدن شناخته می‌شوند، بلکه به‌نوعی به‌عنوان مبنای رستاخیز انسان نیز عمل می‌کنند. از دیدگاه قرآن، گردآوری و زنده ساختن استخوان‌ها نشانه‌ای از اعاده و تجدید بنای انسان است و این مفهوم از جنبه‌های مختلف علمی قابل تأیید است. تحقیقات جدید نشان داده است که استخوان‌ها نقش‌های پیچیده و ضروری در حیات انسان دارند که بدون آن‌ها حیات انسان ممکن نخواهد بود. استخوان‌ها به‌عنوان یک منبع حیاتی، شامل عناصری هستند که بدن انسان برای انجام عملکردهای مختلف خود به آن‌ها نیاز دارد. این ساختارهای استخوانی علاوه بر ذخیره این مواد، توزیع آن‌ها را نیز به‌طور دقیق و تنظیم‌شده در بدن انجام می‌دهند. به‌طور خاص، این توزیع به تنظیم عملکردهای حیاتی مانند ضربان قلب و حرکت عضلات کمک می‌کند. علاوه بر این، استخوان‌ها در طول زندگی انسان به‌عنوان کارخانه‌ای برای تولید سلول‌های خونی قرمز و سفید عمل می‌کنند که برای حفظ سلامت و کارکرد صحیح بدن ضروری است. بنابراین استخوان‌ها نه تنها از

این حقیقت توسط خالق واجد شرایط به او نازل شده است. بنابراین من فکر می‌کنم اکنون زمان آن است که بگویم لا اله الا الله، محمد رسول الله... (www.tebyan.net/news/484490).



جنبه ساختاری، بلکه از نظر فیزیولوژیکی نیز ارگان‌های حیاتی و ضروری برای بقای انسان محسوب می‌شوند.

رقیق‌تر بودن هوا در ارتفاعات

این یک اصل پذیرفته شده است که هوا در ارتفاعات، به دلیل کاهش فشار جو، رقیق‌تر می‌شود. این کاهش فشار باعث می‌شود که مقدار آکسیجن در هر نفس کمتر شود. در سطح دریا، هوای هر واحد حجم حاوی مقدار بیشتری آکسیجن است؛ اما با افزایش ارتفاع، این مقدار کاهش می‌یابد. قرآن کریم می‌فرماید:

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ و هر کس را که خداوند بخواهد رهنمایی‌اش کند، سینه‌اش را برای پذیرش اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواهد به خاطر اعمالش در گمراهی‌اش وانهد، سینه‌اش را تنگ می‌کند گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود، این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد (انعام: ۱۲۵).

امروزه ثابت شده است که هوای اطراف کره زمین در نقاط مجاور این کره کاملاً فشرده و برای تنفس آماده است؛ اما هر قدر به طرف بالا حرکت کنیم هوا رقیق‌تر و میزان آکسیجن آن کمتر می‌شود، به حدی که اگر کسی چند کیلومتر از سطح زمین به طرف بالا (بدون ماسک آکسیجن) حرکت کند، تنفس کردن برایش هر لحظه مشکل‌تر می‌شود و اگر به پیشروی ادامه دهد، تنگی نفس و کمبود آکسیجن سبب بیهوشی وی می‌گردد (اعضای علمی دیپارتمت ثقافت اسلامی پوهنتون کابل، ۱۳۹۵: ۶۳). در نتیجه، بدن انسان باید برای جذب آکسیجن تلاش بیشتری کند. بدن برای سازگاری با این تغییرات، به تدریج تولید گلبول‌های قرمز بیشتری را شروع می‌کند تا توانایی حمل آکسیجن به بافت‌ها افزایش یابد. این حقیقت را قرآن کریم با اشاره کوتاه و تقریباً تمثیلی، بیان کرده که همراهان به گونه دچار ضیق صدر می‌شوند که گویی در جوی آسمان صعود کرده است، «كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ».



تحریم آمیزش در حالت حیض

حیض در لغت به معنای سیلان، جریان و جاری شدن است (Mughniyeh MJ, 1999) و در اصطلاح خروج خون از رحم زن هرماه یک‌بار به مدت چند روز متوالی، قاعده شدن زن، عادت ماهانه (معین، ۱۳۸۶: ۱، ۶۰۵) معنا شده است. لذا به زنی که در این حالت ماهانه قرار می‌گیرد، حائض گفته می‌شود (همان: ۵۸۱) و در این زمان برخی از احکام شرعی و دینی برای او متفاوت است. طبق فقه اسلامی، زن حائض نمی‌تواند نماز بخواند، روزه بگیرد یا به عبادات خاصی مانند حج و عمره که نیازمند طهارت است، بپردازد. همچنین، رابطه جنسی با شوهر در این دوران برای او و شوهر حرام است.

خداوند می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ؛ و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو آن رنجی است [برای زنان] در آن حال. [پس] از مباشرت آنان دوری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند، چون خود را پاک کردند از آنجا که خدا دستور داده به آن‌ها نزدیک شوید» (بقره: ۲۲۲).

اعتزال به معنای کناره‌گیری است (Amid H, 1982. Jor K. Culture of Laros) و در اینجا اعتزال به معنی کناره‌گیری از هم‌بستر شدن است (Jafari Y, 1998). در «ولا تقرّبوهن»، قرب خلاف بعد است؛ چنانکه علامه طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، چنین معنا کرده است (Tabataba'i MH, 1984). پس هدف آن، کناره‌گیری و دوری از آمیزش با زن حائض است. پس در مورد اینکه چه حکمتی در تحریم آمیزش با زنان در حال حیض نهفته و چرا این دستور فقط متوجه مردان است، در کتاب «طب در قرآن» آمده است:

شرایط داخلی رحم در این موقع بسیار مساعد رشد میکروب‌هاست چون غشای مخاطی رحم که در حال پوست‌اندازی و زخم‌سرباز است، محل نفوذ میکروب‌ها از مهبل می‌شود. رحم نیز دچار التهاب می‌شود و در نتیجه باعث پیدایش دردهای شدید در رحم و احساس سنگینی آن و بالا رفتن تب می‌شود. در صورت شدید بودن التهاب ممکن است به سایر قسمت‌ها هم سرایت کند و در نهایت زن را عقیم نماید و نیز آمیزش موجب احتقان



خون شده و خونریزی را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر مردی که در این حال با زن نزدیکی کند، در معرض بیماری قرار می‌گیرد و ممکن است دچار التهاب مجرای بولی شود که گاهی این التهاب به سایر قسمت‌ها از جمله بیضه‌ها سرایت می‌کند (Diab A, 1992). در شرایط طبیعی، مهبل زن به وسیله ترشحات، نرم و از آسیب محفوظ می‌ماند. این ترشحات مهبل دارای خاصیت اسیدی (اسید لاکتیک Lactic Acid) بوده و مهبل را از آلودگی توسط میکروب‌ها مصون می‌دارد. هرگونه تغییری که در خاصیت اسیدی این ترشحات حاصل می‌شود، باعث بروز التهاب مهبل می‌گردد؛ زیرا در این صورت مهبل به محیط مناسبی برای تجمع میکروب‌ها مبدل خواهد شد. مهم‌ترین عاملی که باعث تغییر ماهیت اسیدی ترشحات مهبل می‌گردد، وجود خون در آن است؛ یعنی همان خون حیض. نزدیکی با زنان در هنگام قاعدگی، میزان آلودگی را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر باعث به وجود آمدن خراش‌هایی در مهبل می‌شود که در آن شرایط، استعداد التهاب یافتن را دارد و مهبل دچار التهاب می‌گردد. غشایی مخاطی رحم در این مرحله در حال پوست‌اندازی بوده و لخت و مانند زخم سربازی است که همین مسئله باعث نفوذ میکروب‌ها از مهبل به دهانه رحم شده و بدین ترتیب رحم نیز دچار التهاب می‌شود. همچنین زیان‌هایی که از آمیزش با زن حائض متوجه مرد می‌گردد، نیز روشن است. از آن جمله امراض التهابی سختی است که ممکن است مرد به آن مبتلا گردد. این یافته‌های علمی عصر مدرن را قرآن با یک نهی کلی و در قالب یکی از احکام شرعی بیان کرده تا انسان از پیامدهای عدم رعایت آن در امان باشد.

غسل بعد از مقاربت جنسی (غسل جنوب)

قرآن کریم همان‌طور که به بهداشت روحی و روانی انسان اهمیت داده، به بهداشت جنسی انسان نیز اهمیت داده و در موارد متعددی قوانین بهداشت جنسی را بیان کرده تا از انحرافات جنسی و ابتلای انسان به بیماری‌های جنسی و پیامدهای آن پیشگیری نماید (Reza'i Es-fahani, 2009). چنانکه خداوند متعال در آیه ۶ سوره مائده می‌گوید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ



جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَا مَسْتُمْ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشوید [و غسل کنید] و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده] یا با آنان تماس گرفته [و آمیزش کرده‌اید] و آب [برای غسل یا وضو] نیابید با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت و دست‌ها بکشید. خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید (مائده: ۶).

صرف نظر از بحث بهداشت عمومی و جنبه نظافتی غسل و برطرف کردن آلودگی‌هایی مانند خون و منی در اکثر غسل‌ها، برخی از پزشکان در مورد فواید بهداشتی غسل‌های مختلف به نکاتی اشاره می‌کنند:

الف. نشاط بخشیدن به بدن و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه‌های عصبی موجود در پوست.

ب. کاهش احتقان خون در پوست و دستگاه تناسلی و دفع خون‌های جمع شده در این قسمت‌ها به سایر قسمت‌های بدن به‌ویژه قلب و مغز.

ج. ایجاد نشاط قلب و حسن جریان خون در بدن و ورزش عضلات ارادی بدن؛ چون غسل یک فعالیت کامل و بسیار نرم عضلانی است.

د. تأمین سلامتی پوست؛ غسل به سلامت پوست بسیار کمک می‌کند تا این عضو فراگیر بهتر به وظایف متعدد خود که از مهم‌ترین آن‌ها، انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی بدن است، عمل نماید.

هـ. زدودن سلول‌های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست (دیاب و قرقوز، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

اعجاز اثر انگشت

اثر انگشت انسانی یک ویژگی منحصر به فرد است؛ به گونه‌ای که هیچ دوفنری اثر انگشت



یکسان ندارند. امروزه این ویژگی منحصر به فرد بودن اثر انگشت به علم و تکنالوژی کمک کرده تا از آن در شناسایی افراد استفاده شود، به‌ویژه در سیستم‌های امنیتی و احراز هویت. در قرآن نیز به برخی ویژگی‌های بدنی انسان اشاره شده که ممکن است اشاره‌ای به این نوع ویژگی‌های منحصر به فرد باشد که یکی از آن‌ها آیه ذیل است:

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ، بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ؛ آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌ها او را جمع نخواهیم کرد؟ آری قادریم که [حتی خطوط سر] انگشتان او را موزون و مرتب کنیم (قیامت: ۳-۴).

دانش بشری در قرن نوزدهم به راز اثر انگشت پی برده و متوجه شد که سر انگشتان، از خطوط بارز و پستی به‌صورت مارپیچ در بستر پوست تشکیل شده است. خطوط سر انگشتان هنگامی که جنین چهارماهه است، شکل گرفته و تا پایان عمر تغییر نخواهد کرد. از این‌رو به حیث مهم‌ترین مدرک تعیین هویت افراد، به کار می‌رود و در آن هیچ نوع اشتباه رخ نمی‌دهد. در سال ۱۸۸۰ بعد از پژوهش‌های سر فرانسیس گالتون (Sir Francis Galton)، (1822-1911) از پیشگامان علم ژنتیک، اثر انگشت به یک سبک علمی برای تعیین هویت افراد تبدیل شد که هرگز دو فردی در جهاد الگوی اثر انگشتی کامل یکسان ندارد به این دلیل است که نیروهای پلیس در سراسر جهان برای شناسایی مجرمان از اثر انگشت استفاده می‌کنند (کانر، ۱۳۹۰: ۴۴۵).

اهمیت اثر انگشت در اواخر قرن نوزدهم کشف شد، درحالی‌که قرآن کریم چهارده صدسال پیش به یکسان نبودن اثر انگشت هر انسان، اشاره داشته و انسان‌ها متوجه آن کرده است.

نتیجه‌گیری

قرآن معجزه پیامبر اکرم^(ص) است که چهارده قرن قبل از طرف خداوند یگانه، به او نازل شده است. این کتاب ضمن موضوعات مختلف، حاوی اطلاعات طبی است که بشر را به حیرت آورده و در ابعاد مختلف طبی و بیولوژیک حرف اول را گفته است. این آیات این مفهوم را می‌رساند که الله متعال خالق است که از علم کامل برخوردار است و همه

اسرار کائنات در علم او است. قرآن کریم منشأ پیدایش تمام علوم بشری در جهان است که گذشت زمان از طراوت آن نمی‌کاهد، بلکه با پیشرفت علوم، حقایق قرآن روشن‌تر می‌گردد و هر قدر علم بشری به‌سوی تکامل پیش می‌رود، درخشش این آیات قرآنی بیشتر می‌شود. قرآن اگرچه کتاب هدایت برای بشر است؛ اما با محتوای علمی که دارد یک کتاب علمی نیز است که دارای نشانه‌ها و آیات است که آدمی را به فکر خلقت خودش فرومی‌برد. خلقت انسان پدیده حیرت‌انگیز بوده و دلالت به حقانیت خداوند متعال و قرآن دارد که خلقت انسان و آیاتی که در قرآن راجع به خلقت انسان آمده، بسیاری از دانشمندان غرب را شگفت‌زده کرده است؛ به‌گونه‌ای که تحت تأثیر این حقایق قرار گرفته‌اند و به اسلام مشرف شده‌اند.

فهرست منابع

۱. اعضا علمی دیپارتمت ثقافت اسلامی پوهنتون کابل (۱۳۹۵)، قرآن و علوم معاصر، کابل: انتشارات سید حسیب الله.
۲. افضل، رضا، (۱۳۹۴)، قرآن، علم، اعجاز: با استناد به دیدگاه‌ها و آثار پژوهشگران و دانشمندان بزرگ جهان، تهران: نشر شوق.
۳. دیاب، عبدالحمید، قرقوز، احمد، (۱۳۸۳)، طب در قرآن، (ترجمه: علی چراغی)، تهران: انتشارات حفظی.
۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی و ملا کاظمی، محسن، (۱۳۸۶)، اعجاز و شگفتی‌های علمی قرآن، تهران: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۵. کانر، کلیفورد، (۱۳۹۰)، تاریخ علم مردم، (ترجمه: حسن افشار)، تهران: نشر ماهی.
۶. مخلص هروی، عبدالرئوف، (۱۳۹۶)، تجلی قرآن در عصر علم، بی‌نا: تربت جام خراسان رضوی.
۷. نایک، ذاکر، (۱۳۹۶)، قرآن و علوم نوین، بی‌جا: انتشارات آراس.
8. Aghili Alavi Shirazi MH, Mohammad Hossein. Summary of Al-Hikma. Qom: Ismailian; 2006.
9. Amid H. Persian Culture. Tehran: Amir Kabir; 1982.
10. Diab A, Gharghose A. Medicine in the Quran. Translated by Cheraghi G. Tehran: Hefzi Publishing; 1992.
11. <https://weblog4islam.blogfa.com/post/125>
12. <https://weblog4islam.blogfa.com/post/125>
13. <https://www.tebyan.net/news/484490/>: دیدگاه هفت دانشمند جهان درباره معجزات علمی قرآن
14. Jafari Y. Commentary on Kausar. Qom: Hijrat publications; 1998.



15. Jor K. Culture of Laros. Translated by Tabibian H. Tehran: Amir Kabir; 1997.
16. Mashriqi Arani A. Expressive Nazah of the Qur'an and the Effects of Its Education. Golestan: Nowruz Publications; 2018.
17. Mughniyeh MJ. Translation of Kashif's Exegesis. Qom: Book Park; 1999.
18. Peyavi, D., & Moezzi, M. (2013). Healthy nutrition in Quran, the Muslim Holy Book.
19. Ragheb Esfahani HM. Vocabulary words of the Quran. Tehran: Al-Muktab al-Mortazawiyah La Haya Athar al-Jaafariyah; 2009.
20. Reza'i Esfahani MA. Interpretation of the Qur'an Mehr. Qom: Researches on Interpretation and Quranic Sciences; 2009.
21. Tabataba'i MH. Tafsir al-Mizan. Translator Mousavi Hamedani MB. Qom: Islamic Publications Office; 1984.

